

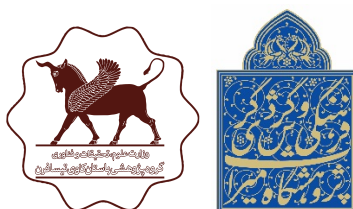
مفاخر میراث فرهنگی ایران ۶ رایت منصور
جشن نامه دکتر سید منصور سید سجادی

به کوشش شاهین آریامنش

به نام خداوند جان آفرین

مفاخر میراث فرهنگی ایران (۶)
رایت منصور
جشن نامهٔ دکتر سید منصور سید سجادی

به کوشش
دکتر شاهین آریامنش



۱۴۰۱

سرشناسه	: آریامنش، شاهین، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: رایت منصور: جشن نامه دکتر سیدمنصور سیدسجادی / به کوشش شاهین آریامنش؛ [برای] مرکز معرفی فرهنگی.
مشخصات نشر	: تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۴۸۲ ص:، مصور، جدول.
شابک	: 978-622-5684-12-6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: جشن نامه دکتر سیدمنصور سیدسجادی.
موضوع	: سیدسجادی، سیدمنصور، ۱۳۲۷ - - یادنامه‌ها
موضوع	: سیدسجادی، سیدمنصور، ۱۳۲۷ -
موضوع	: باستان‌شناسان - - ایران - - مرگ‌شناسانه
Archaeologists -- Iran -- Biography	
باستان‌شناسی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها	
Archaeology -- Addresses, essays, lectures	
شناسه افزوده	: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری. مرکز معرفی فرهنگی
شناسه افزوده	: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
شناسه افزوده	: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
Tourism & Research Institute of Cultural Heritage	
رده بندی کنگره	: CC1۱۵
رده بندی دیویی	: ۱۰۹۲/۹۳۰
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۸۷۷۸۲۶۴
اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی	: فیبا



مرکز معرفی فرهنگی و گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن

رایت منصور

مفاخر میراث فرهنگی ایران (۶)، رایت منصور، جشن نامه دکتر سیدمنصور سیدسجادی

به کوشش: شاهین آریامنش

عکس جلد: مدیا رحمانی

چاپ و صحافی: نقش

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۴۰۱

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۸۴-۱۲-۶

ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان امام خمینی، ابتدای خیابان سی تیر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

تلفن: ۶۰-۶۶۷۳۶۴۵۲-۲۱ دورنگار: ۲۱-۶۶۷۳۶۷۸۸

تارنما: www.richt.ir رایانامه: cep@richt.ir

فروشگاه الکترونیکی کتاب: www.richtbook.ir

فهرست

- پیشگفتار ۷
- رایت منصور | شاهین آریامنش ۹
- آثار پژوهشی دکتر سید منصور سید سجادی ۱۱
- آثار باستانی دروازه آسیا (گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناختی شهرستان قصر شیرین) | علی هژبری ۴۳
- نگرشی بر گذر استقرار عشایر کوچ‌نشین دشت سرگچینه | مریم فتاحی پور و میثم گردی ۶۳
- عوامل مؤثر در شکل‌گیری و فروپاشی تمدن‌ها در سیستان | رضا مهرآفرین ۸۳
- شهرسوخته و نقش آن در شکل‌گیری فرهنگ بلخی-مروی | فرشید ایروانی قدیم و حامد طهماسبی زاوه ۱۰۱
- مطالعه تغییر و تحولات آداب و رسوم شهرسوخته براساس سنت تدفین | زهرا رجیبون ۱۱۳
- تفکیک جنسیتی کارگران دوه‌آغازیلامی در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد در ایران | روح‌الله یوسفی زشک، مرتضی حصارى، سعید باقى‌زاده و دنیا اعتمادى‌فر ۱۲۹
- مروری کلی بر ظرف پیکرک‌های گاو شهرسوخته | سعید پارسائیان ۱۴۷
- سیموروم، لولوبوم و گوتیوم؛ سرنخی جدید از حضور فرمانروایی بین‌النهرینی در پیرامون کوه بمو، ازگله-کرمانشاه | سجاد علی‌بیگی، شهرام علی‌یاری، جان مک‌گینیس و ناصر امینی‌خواه ۱۶۱
- پژوهشی بر پیکره‌های کامل دوران آشور نو | ایرج رضائی ۱۸۱

تاریخ‌گذاری سنگ‌نگاره‌های سراوان (جنوب شرق ایران) بر پایه شواهد باستان‌شناختی | حسین مرادی، مجتبی سلطانی و حسین سرحدی دادیان
۲۱۳

قبری از لور بالاجوق، ارومیه | بهروز خان‌محمدی و علی صدرائی
۲۳۵

بررسی آثار معماری نویافته در دامنه تپه زیویه؛ کردستان آیا بنای خشتی زیویه یک مجموعه بزرگ‌تر است؟ | سیروان محمدی قصریان و علی هژبری
۲۴۹

جایگاه الهه‌های اورارتویی در فرهنگ اورارتوها | مریم دارا
۲۶۵

آتشکده ساسانی کلگه چرداول ایلام | علی نوراللهی
۲۸۳

نظر برخی از باستان‌شناسان و محققان درباره دخمه‌گذاری به شیوه عرضه‌داشت در مقابل لاشخورها مهدی رهبر
۳۴۱

یادداشت‌هایی درباره شرق ایران در دوره پس از هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان: ارزیابی جدید و اولیه درباره کاوش‌های ایزمئو در قلعه تپه و قلعه سام در سیستان | جولینو مارسکا، ترجمه آزاده آزادی‌نژاد
۳۷۳

بازخوانی جغرافیای تاریخی و رویکرد مذهبی علویان زیدی تبرستان با استناد به منابع سکه‌شناسی مجید حاجی‌تبار
۳۸۳

کاروانسرای نویافته جمال‌آباد ارومیه و بازبینی مسیر جاده ابریشم در آذربایجان غربی | بهروز خان‌محمدی و علی صدرائی
۴۰۷

گزارش فصل سوم کاوش باستان‌شناختی محوطه کهنک شهرستان سریشه | محمد فرجامی و علی اصغر محمودی‌نسب
۴۲۵

واکاوی کتیبه نویافته مسجد کرمانی (مجموعه آرامگاهی شیخ احمد جام) | فرامرز صابرمقدم
۴۴۵

پژوهشی بر پیکره‌های کامل دوران آشور نو

ایرج رضائی

دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

پیکره‌های کامل باقی‌مانده از دوران آشور نو کم‌شمارند و موارد موجود نیز عمدتاً به خدایان و شاهان آشوری اختصاص دارند. بیشتر پیکره‌های کامل این دوران از جنس سنگ ساخته شده‌اند و نمونه‌های باقی‌مانده نیز عمدتاً کوچک‌تر از اندازه طبیعی‌اند. گاهی بر پیکر برخی از مجسمه‌ها کتیبه‌هایی نیز حک شده است. شاخص‌ترین ویژگی‌های ظاهری که در اغلب مجسمه‌های این دوره به چشم می‌خورد عبارت‌اند از موی بلند، ریش با انتهای تخت و سبیل بلند، پوشش بلند از نوع ردا یا تونیک و پیکره‌های کامل آشوری شباهت‌های غیرقابل انکاری با نقش‌برجسته‌های همین دوران دارند و بسیاری از ویژگی‌های شاخص هنر آشوری را در خود جای داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: آشور نو، پیکره کامل، پیکره‌های مذهبی، پیکره‌های غیر مذهبی.

مقدمه

در مقایسه با وسعت و اهمیت هنر نقش‌برجسته‌های دوره آشور نو، از این دوران طولانی، پیکره‌های کامل چندانی برجای نمانده است. بررسی نمونه‌های موجود نیز نشان می‌دهد که هنر مجسمه‌سازی در مقایسه با دیگر هنرهای شاخص این دوران، چون نقش‌برجسته‌های دیواری، اهمیت چندانی

نداشته است. از این دوره چند پیکره ایستاده از خدایان کشف شده که دست‌های خود را مقابل سینه روی هم گذاشته‌اند. این پیکره‌های کامل به احتمال متعلق به خدایان نه‌چندان مهمی بوده‌اند که از آنها برای نگهداشتن ظروف فواره در معابدی مانند معابد خورس‌آباد استفاده می‌شده است. افزون بر آن چند پیکره شاهی نیز از این دوره برجای مانده است. پیکره‌های مورد بحث خشک و بی‌حالت‌اند و از لحاظ ترکیب و جزئیات لباس در سطح پایینی قرار دارند. شکل کلی این مجسمه‌ها استوانه‌ای است (مجددزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۴). علاوه بر خدایان و شاهان، تعدادی مجسمه از صاحب منصبان و حکام کوچک‌تر آشوری هم در دست است که پیکره حاکم محلی جوزان^۱ و حاکم برسب از آن جمله است. با توجه به تأثیر غیر قابل انکار هنر دوره آشور نو بر هنر دوره‌های ماد و هخامنشی، شناخت جنبه‌های مختلف این هنر از اهمیت بسزایی برخوردار است. برای این پژوهش نمونه‌هایی انتخاب شده‌اند که در منابع اصلی با عنوان figure (پیکره) یا Statue (مجسمه) معرفی شده‌اند و ما آنها را با عنوان پیکره کامل می‌شناسیم. بنابراین مواردی نظیر statuette (مجسمه کوچک) و Figurine (پیکرک) همچنین برخی سرهای تزئینی که در گذشته از آنها صرفاً برای تزئین اسباب و وسایل قصرهای سلطنتی استفاده می‌شد در این نوشتار لحاظ نشده‌اند. سرهای تزئینی پیش گفته که عمدتاً از جنس عاج‌اند به تعداد زیاد از حفاری‌های نمرود و سایر محوطه‌های آشوری به دست آمده و در گذشته به عنوان بخشی از مبلمان و یا لوازم دیگر بر چنین وسایلی نصب می‌شده‌اند. به‌علاوه پژوهش حاضر صرفاً پیکره‌های کامل انسان‌ریخت شامل مجسمه‌های افراد و خدایان با تمثال انسانی را دربر می‌گیرد و بنابراین پیکره‌های ترکیبی یا مجسمه‌های حیوانات و خدایان دیوماند از موضوع این گفتار حذف شده است. مورد دیگری که در این پژوهش لحاظ نشده، مجسمه‌های غنیمتی از شاهان ممالک دیگر است که از آن جمله می‌توان به قطعات شکسته سه مجسمه از فرعون مصر تاهارگا (Taharqa, 690–664 BC) اشاره کرد که از حفاری‌های نینوا به دست آمده است. برای سهولت پیکره‌های کامل آشوری مورد مطالعه در این پژوهش به دو گروه پیکره‌های مذهبی و پیکره‌های غیر مذهبی تقسیم شده‌اند. پیکره‌های کامل غیرمذهبی شامل مجسمه‌های شاهان، صاحب‌منصبان و افرادی با هویت نامشخص است و پیکره‌های کامل مذهبی نیز منحصر به مجسمه‌های خدایان آشوری هستند.

¹ Guzan

۱. پیکره‌های کامل غیر مذهبی

۱-۱. شاه

مجسمه شاهان آشوری اولین و مهم‌ترین گروه مورد بحث از پیکره‌های کامل غیر مذهبی آشوری را تشکیل می‌دهند. در اینجا هفت پیکره کامل از شاهان آشوری که به صورت سالم یا شکسته به دست آمده‌اند را به تفصیل مورد بحث قرار خواهیم داد.

اثر شماره ۱

نخستین پیکره کامل متعلق به یک شاه آشوری که در این مقاله مورد بحث قرار می‌گیرد، مجسمه آشورناصرپال دوم (۸۵۹-۸۸۳ پم) است که در قرن نوزدهم میلادی هنری لایارد^۱ از حفاری‌های معبد ایشتر در نمرود به دست آورد (تصویر ۱). این مجسمه از جنس کربنات منیزیم طبیعی^۲ ساخته شده و بر پایه‌ای از سنگ قرمز قرار دارد. چنین سنگ‌های غیر معمولی را به احتمال از یک لشکرکشی خارجی به غنیمت آورده‌اند. در گذشته شاهان اغلب به اشیاء نامتعارفی که از خارج به دست می‌آوردند مباحثات می‌کردند. این اشیاء نه تنها مواد خام و مصنوعات را شامل می‌شد بلکه گیاهان و حیوانات را نیز دربر می‌گرفت (www.britishmuseum.org). لباس شاه متشکل از یک ردای بلند حاشیه‌دار است که با کمربندی محکم شده است و تا روی پاهای پیکره امتداد دارد. شاه تونیک آستین‌کوتاهی نیز زیر ردا پوشیده است. ردای شاه حول شانه چپ پیکره وی پیچیده و آن را تا مچ دست پوشانده است اما دست راست را فقط از قسمت شانه پوشانده و بنابراین بازوی راست مجسمه از بالای آرنج برهنه مانده است و به همین دلیل دستبند تزئینی شاهانه‌ای که به سبک شاهان بنی‌اسرائیل است، قابل مشاهده است (Olmstead, 1938: 82). پوشش آشورناصرپال دوم در نقش برجسته‌ها نیز به همین شکل متشکل از ردایی است که به احتمال جنبه مذهبی دارد و تونیک بلندی که شال حاشیه‌داری به دور آن پیچیده شده است (مورنگات، ۱۳۷۷: ۲۴۸).

سر شاه فاقد کلاه بوده و موی سر و ریش که انتهای آن تخت و گوشه دار است به سبک هنر آشوری در این زمان، بلند نشان داده شده است. بخشی از سمت راست سبیل شاه تخریب شده است. به احتمال آشوریان، چنان که گاه در هنر مصر دیده می‌شود، از موی سر و ریش بدل استفاده می‌کردند، اگرچه مدرکی برای اثبات این ادعا وجود ندارد (www.britishmuseum.org).

¹ Henry Layard

² magnesite

شاه در دست چپ خود که به قسمت تحتانی سینه چسبیده است یک گرز شاهانه یا یک عصای شاهی گرزمانند دارد. این نوع گرز اغلب در سنگ‌نگاره‌ها نشان داده شده و صدها نمونه سرگز سنگی از کاوش‌های باستان‌شناسی به‌دست‌آمده است (Olmstead 1938: 82). تصور می‌شود که این گرز نمایشی از قدرت شاه در حکم نایب خدای بزرگ آشور بوده است (www.britishmuseum.org). در دست راست شاه نیز یک تبر داسی‌شکل قرار دارد. این نوع سلاح که قابل مقایسه با شمشیر مجسمه قدیم‌تر ادد-نیراری اول است که هم‌اکنون در موزه متروپولیتن قرار دارد، به‌احتمال خود از شمشیرهای دوران هیکسوس (Hyksos) از سلسله‌های فراعنه مصر الگو پذیرفته است (Olmstead, 1938: 82). در هنر آشوری گاه هنگام نبرد با هیولاها این نوع تبر-داس نشان داده شده است. کتیبه‌ای در هشت سطر بر سینه مجسمه حک شده است که نام شاه، عناوین و شجره‌نامه او را بازگو می‌کند (British Museum, 1900: 22). در این کتیبه آشورناصریال خود را شاه بزرگ، شاه قدرتمند، شاه همگان و شاه سرزمین آشور می‌خواند و به لشکرکشی پیروزمندانه خود به سمت غرب تا دریای مدیترانه اشاره کرده است (Olmstead 1938: 78). پیکره مورد بحث ۱۱۳ سانتی‌متر ارتفاع، ۳۲ سانتی‌متر عرض و ۱۵ سانتی‌متر ضخامت دارد و در حال حاضر با شماره ME 118871 زینت‌بخش موزه بریتانیا در لندن است (www.britishmuseum.org).



تصویر ۱. سه نمای مختلف از مجسمه آشورناصریال دوم (British museum 1900:23, Pl.1، مجیدزاده، ۱۳۸۰:

اثر شماره ۲

این پیکره کوچک، شاهی را در هیئت یک روحانی بلندپایه نشان می‌دهد درحالی‌که دستان خود را چنان به حالت احترام و فرمانبرداری در مقابل سینه روی هم گذاشته که گویی در مقابل یک خدا قرار گرفته است (تصویر ۲). پیکره دارای پیشانی کوتاه، سر بزرگ، بینی درشت و دهان ظریف است. شاه ردای بلند رسمی و حاشیه‌داری پوشیده که با کمربندی محکم شده است و تا روی پاها امتداد دارد. آستین‌های لباس به خاطر رعایت حجاب در مقابل خدا بلند انتخاب شده و هر دو بازو تا میچ دست پوشانده شده است. جالب‌ترین موضوع درباره این مجسمه جنس آن است که کارشناسان موزه بوستون آن را از نوعی کهربا به احتمال متعلق به حوزه بالتیک و دریای مدیترانه تشخیص داده‌اند. اشیاء کهربایی اغلب از کاوش‌های خاور نزدیک از جمله از کاوش‌های شهر آشور، پایتخت قدیمی امپراتوری آشور و نیز از بابل گزارش شده است. واژه آشوری آباروما^۱ به معنی کهربا است. پیکره کهربایی مورد بحث روی یک پایه چوبی ناهموار نصب شده است اما تاکنون نوع درختی که این چوب از آن تهیه شده، شناسایی نشده است. به احتمال این پایه چوبی در گذشته روکشی از طلا یا سایر فلزات داشته است. مجسمه یک سینه‌بند طلایی از جنس نوعی طلا با ته رنگ سرخ پوشیده که مشخصه شرق باستان است. این سینه‌بند با زُرت‌های هشت‌پری که درون خانه‌های چهارگوشی قرار گرفته‌اند و نیز خطوط شکسته شبیه سرپیکان تزئین شده است. به احتمال سینه‌بند را به منظور نشان دادن سنگ‌های قیمتی مشبک ساخته‌اند. چنین تزئینی را هرگز در نقش برجسته‌ها به کار نبرده‌اند و بنابراین احتمال می‌رود پادشاه از این لباس برای شرکت در مراسم خاص مذهبی استفاده کرده است (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۴). ارتفاع مجسمه به همراه پایه آن ۲۴/۳ سانتی‌متر است و خود پیکره به تنهایی ۱۹/۱ سانتی‌متر ارتفاع دارد. فاصله دو آرنج دست از همدیگر ۶/۴ سانتی‌متر و پهناى پاها ۳/۱ سانتی‌متر است. نسبت عرض به طول (ارتفاع) در مجسمه حدود دو به هفت است (Olmstead, 1938: 78-82).

این مجسمه به احتمال به خاطر استادکاری ماهرانه و ماده پرارزش به‌کاررفته در آن، زینت‌بخش یک معبد بوده است. پوشش، حالت و ویژگی‌های ظاهری این مجسمه و شباهت آن با مجسمه سنگی آشور ناصرپال دوم (۸۶۰-۸۸۵ پم) که هم‌اکنون در موزه بریتانیا قرار دارد (اثر شماره ۱) باعث شده است تا برخی محققان بپذیرند که تندیس کهربایی بوستون نیز متعلق به آشورناصرپال است (Terrace, 1960: 35). بنا به گزارش یک منبع منتشر شده، این مجسمه از تپه‌ای در حاشیه دجله

^۱ abarumma

کشف شده که به احتمال تپه نمرود یا همان شهر کلحو (Kalho) آشوری و کالحو (Kalah) تورات (۱۰:۱۱) بوده است (Olmstead, 1938: 78). مجسمه کهربایی مورد بحث در حال حاضر در موزه هنرهای زیبای بوستون نگهداری می‌شود.

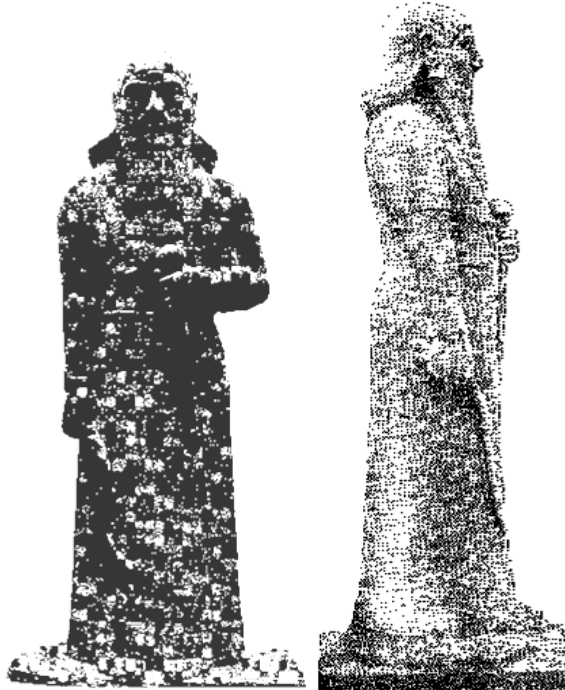


تصویر ۲. نماهای مختلف از مجسمه کهربایی شاه آشوری مکشوفه از نمرود، قرن نهم پم (Olmstead, 1938: 78-81).

اثر شماره ۳

این پیکره بازالتی که از الحاق تعدادی قطعات شکسته بازسازی شده متعلق به شلمنصر سوم بوده و از هر لحاظ شبیه پیکره آشور ناصر پال دوم است (تصویر ۳). سر پیکره، بازوی چپ و هر دو دست به طور کامل بازسازی شده است. شاه لباسی کاملاً مشابه لباس آشور ناصر پال بر تن دارد (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۵). به نظر می‌رسد که جامه بلند با آستین‌های کوتاه و یقه گرد، لباس رایج شاه و مقامات

بلندپایه سرزمین آشور بوده باشد (Roobaert, 1996: 84). همچون پیکره آشورناصرپال دوم در اینجا نیز شاه به گونه‌ای مشابه، عصای مرصع گرز مانند و تیر داسی شکلی در دست دارد. او دو خنجر بر کمر و زنجیر بلندی با نماد خدایان (آدد، شمش، آنو، ایشتر و سین) به گردن دارد. کتیبه تاریخی بلندی بخش‌های بزرگی از پایین تنه پیکره را پوشانده است (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۵). شاه گوشواره‌هایی بر گوش و یک دست‌بند تزئینی بر دست راست دارد. گوشواره شاه متشکل از یک نیم‌دایره متصل به آویزی است که نوک مخروطی شکلی دارد. این نوع گوشواره از نمونه‌های شناخته شده و مشهور در نقش برجسته‌های آشوری است که رایج‌ترین شکل گوشواره از زمان آشورناصرپال دوم تا زمان اسارحدون به شمار می‌رود. استفاده از نوعی الگو که دارای یک یا دو بند ساده بوده و به یک روزت متصل است نیز از زمان آشورناصرپال دوم در نقش برجسته‌ها آغاز و در طول قرن هشتم پم همچنان ادامه داشته است. از چنین الگویی بعدها هم آشوربانی‌پال استفاده کرده است (Roobaert, 1996: 85). مجسمه روی یک پایه سنگی متشکل از دو تخته سنگ قرار دارد و با ۱۹۰ سانتی‌متر ارتفاع هم‌اکنون در موزه استانبول نگهداری می‌شود.



تصویر ۳. راست، نمای کناری مجسمه بازالنی شلمنصر سوم مکشوفه از شهر باستانی آشور (Parrot, 1961: 16, fig.20)، چپ، همان مجسمه از نمای روبه‌رو (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۱۱، تصویر ۴۸۹).

اثر شماره ۴

در بهار سال ۱۹۵۶ میلادی کارگری که در بخش جنوب شرقی آکروپلیس شهر نمرود مشغول به کار بود، به قطعاتی از يك سنگ آهنی سفید رنگ بزرگ برخورد کرد. شکل قطعات بزرگ‌تر، همچنین کتیبه میخی روی برخی قطعات نشان می‌داد که اینها بخشی از يك مجسمه آشوری‌اند (تصویر ۴). پس از آن مشخص شد که در کتیبه روی این مجسمه رویدادهایی از زمان سلطنت شلمنصر سوم آشوری (۸۲۴-۸۵۸ پم) ثبت شده است. متأسفانه سنگی که مجسمه از آن تراشیده شده کیفیت مناسبی ندارد و به همین خاطر بخش‌های زیادی از سطح مجسمه توسط پوشش سختی از کریستال پوشیده شده است، چنانکه این پوشش را نمی‌توان توسط فرایندهای شیمیایی یا مکانیکی بدون وارد نمودن صدمات جدی به مجسمه جدا کرد. احتمال می‌رود که وضعیت شکسته مجسمه به خاطر خشونت بوده که در گذشته بر آن وارد شده است، در این صورت شاید این عمل مربوط به زمانی باشد که شهر در سال ۶۱۲ به‌دست مادها سقوط کرد. مکانی که مجسمه در ابتدا در آن قرار داشته مشخص نیست، اما احتمال می‌رود که در معبد نینورتا نگهداری می‌شده است زیرا از اتاق شماره ۱ این ساختمان قطعه کوچکی از يك مجسمه مشابه (حدود ۱۷ سانتی‌متر با ۱۵ سطر کتیبه) به‌دست آمده است (Læssøe 1959: 147-148). شاه‌دستان خود را به حالت احترام و فرمانبرداری در برابر خدا مقابل سینه روی هم گذاشته است. دست‌های روی هم نهاده شده از دیرباز در بین‌النهرین نشانه شرکت در مراسم مذهبی و حضور در برابر خدایان بوده است (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۴). پیکره مذکور ردای بلند تنگ و حاشیه‌داری پوشیده که با کمربندی محکم شده و تا روی پاها امتداد دارد. بر سر شاه کلاه مدور و بلندی شبیه به یک مخروط ناقص قرار دارد که دارای دو قاعده غیر مساوی است. ریش بلند شاه تا روی سینه او امتداد دارد. مجسمه روی یک پایه پله‌دار متشکل از دو سکوی مربع‌شکل است که روی هم سوار شده‌اند. به‌نظر می‌رسد بخش‌هایی از دست مجسمه شکسته و ترک‌ها و شکستگی‌هایی نیز روی بدنه آن ایجاد شده است. ارتفاع مجسمه در شکل مرمت‌شده آن ۱۴۰ سانتی‌متر و از قسمت پایه عرض آن ۳۵ سانتی‌متر است. قطعات مجسمه شلمنصر سوم پس از کشف با شماره ND.5500 به ثبت رسید و پس از انتقال به موزه عراق مرمت و با شماره IM. 60496 در این موزه ثبت شد (Læssøe, 1959: 147-148).



تصویر ۴. راست، نمای کامل مجسمه شلمنصر سوم مکشوفه از نمرود (Læssøe, 1959: 152, PLATE XL)، چپ، تصویری از پشت همان مجسمه (Læssøe, 1959: 153, PLATE XLII).

اثر شماره ۵

در جریان حفاری‌های سال ۱۹۶۲ در دژ شلمنصر واقع در در بخش NE 50 شهر باستانی نمرود، پیکره‌ای از شلمنصر سوم به دست آمد که شکستگی موربی در گوشه پایین سمت چپ آن قرار داشت. با وجود این شکستگی، مجسمه به خوبی حفظ شده بود (تصویر ۵). این پیکره از نوعی کلسیت ساخته شده که شبیه رخام (مرمر سفید) است (Oates, 1962: 16). در کتیبه روی پیکره (سطر ۳۶) نیز به جنس سنگی که مجسمه از آن ساخته شده، اشاره شده و از واژه آشوری گیشنوگالو^۱ به معنای رخام گچی (مرمر سفید) استفاده شده است. ترک کوچک روی گردن پیکره، در گذشته با یک ترکیب گچی تعمیر شده بود. به احتمال آشوری‌ها گچ را «گشو»^۲ می‌گفته‌اند، واژه‌ای که هنوز در زبان عربی به صورت «قش» یا «قوش»^۳ استعمال می‌شود. در عراق هنوز نیز در موارد متعددی از گچ برای اهداف مشابه استفاده می‌شود (Wilson, 1962: 91).

ارتفاع مجسمه ۱۰۳ سانتی‌متر بوده که تقریباً هم اندازه مجسمه آشورناصرپال دوم مکشوفه از معبد نینورتا است که هم‌اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود، اما به طور قابل ملاحظه‌ای کوچک‌تر از پیکره آسیب دیده شلمنصر سوم است که در سال ۱۹۵۷ از زیر ارگ نمرود به دست آمد. در پیکره مورد بحث، سر شاه برهنه بوده و فاقد کلاه است و دست‌ها به سبک نیایشگران در قسمت

¹ gišnugallu

² gaššu

³ Gašš or gušš

جلو سینه روی هم قرار گرفته است. شاه بر یک تونیک آستین کوتاه، ردای حاشیه‌دار بلندی پوشیده که پوشش رایج آشوری محسوب می‌شده است. ردا حول بازوی چپ پیچیده اما بازوی راست برهنه مانده است. بر مچ دست راست دستبندی دیده می‌شود که به احتمال با یک روزت تزئین شده است. بر سینه و در زیر ریش نشان منقوش و حکاکی شده‌ای از یک گردنبند دیده می‌شود که حامل نمادهای مذهبی سلطنتی به شکل آویزهای ستاره شکل هشت پر نماد شمش، تاج آنو و هلال ماه متعلق به سین است. گردن‌بند در قیاس با مهارت به کار رفته در حجاری نقاط دیگر خشن به نظر می‌رسد و به همین دلیل احتمال می‌رود که روی آن تزئینات باارزش دیگری نصب شده باشد. آثاری از رنگ سیاه روی موها و ریش باقی مانده است (Oates, 1962: 16). همچنین زمینه گردن‌بند شاهی و سه عدد از آویزها را که به صورت ناهمواری بر سنگ حک شده‌اند، با لایه نازکی از رنگ سیاه رنگ کرده‌اند (Wilson, 1962: 92). در بخش تحتانی ردا، ۴۱ سطر کتیبه میخی درون دو قاب حکاکی شده است که خطاب به اداد کوربایل^۱ یا کوربان، همچنین یک گزارش خلاصه از حمله شلمنصر در سال هیجدهم حکومت او است. مجسمه می‌بایستی مربوط به تاریخ ۸۳۸ پم یا اندکی پس از آن باشد، اما از کتیبه مشخص نمی‌شود که آیا مجسمه در معبد اداد کوربایل در کلحو نصب شده است یا خیر. به‌رحال مکان اولیه مجسمه هر جا که باشد، ظاهراً این مجسمه برای تعمیر به دژ شلمنصر آورده شده است. از آنجاکه به‌نظر نمی‌رسد شیء باارزشی نظیر این مجسمه در رویدادی عادی شکسته باشد، به احتمال آسیب‌دیدگی مربوط به حمله مادها در سال ۶۱۴ پم است (Oates, 1962: 16).



تصویر ۵. راست، تصویر کامل مجسمه شلمنصر سوم، چپ: جزئیات بالاته همان مجسمه (Wilson 1962: 92)

(PLATE XXX)

¹ Adad of Kurba'il

اثر شماره ۶

این پیکره نسبت به دیگر پیکره‌های شلمنصر ظاهر متفاوت‌تری دارد. شاه روی یک تخت سنگی L شکل که در حکم تکیه‌گاه مجسمه نیز است، نشسته است (تصویر ۶). آثار یک کتیبه میخی روی ضلع عمودی پایه سنگی دیده می‌شود. سر مجسمه شکسته و مفقود شده است اما بخش‌هایی از گردن و ریش بلند شاه روی تنه باقی مانده است. دست‌های مجسمه نیز آسیب دیده‌اند و بخش‌هایی از بدنه نظیر سطح زانوها هم دچار آسیب دیدگی و خوردگی شده است. نیم‌تنه بالایی شاه استوانه‌ای شکل است، اما نیم‌تنه پایینی شبیه یک هرم ناقص است که قاعده بزرگ‌تر آن روی پاها قرار دارد و قاعده کوچک آن را دو زانوی پا تشکیل می‌دهد. شاه لباس بلندی پوشیده که تا روی پاها امتداد دارد. بخش تحتانی لباس که روی پا قرار دارد، دارای حاشیه تزئینی است. به‌طور کلی جامه‌های بلندی که توسط مقامات بلندپایه آشوری پوشیده می‌شد، معمولاً لبه حاشیه‌دار داشته‌اند (Roobaert 1996: 84). پیکره مورد بحث از جنس سنگ بازالت است و ۱۳۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد و در حال حاضر نیز در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود.



تصویر ۶. مجسمه شلمنصر سوم از جنس سنگ بازالت (Parrot, 1961: 15, fig.19)

اثر شماره ۷

در پای زیگورات نمرود و تقریباً در بخش جنوب شرقی معبد نینورتا، در کف اتاق ۱ که در سال ۱۹۵۶ توسط مدرسه باستان‌شناسی بریتانیا در عراق کاوش شد، قطعات سوخته‌ای از یک مجسمه سفید از جنس سنگ آهک متعلق به شلمنصر سوم کشف شد که برخی از قطعات دارای کتیبه بود

(تصویر ۷). قطعات مذکور در زمان کشف توسط کاوش‌گر با شماره ND5571 ثبت شد اما در حال حاضر به موزه عراق منتقل شده و با شماره IM 60497 به ثبت رسیده‌اند. قطعات پیکره مورد بحث عبارت‌اند از آرنج راست به همراه بخش کوچکی از بدنه ضمیمه به آن (IM 60497A)، قطعاتی از دو کتیبه که متعاقباً به هم متصل شدند (IM 60497B)، قطعاتی از دستان قلاب شده (IM 60497C) و قطعات دیگری از جمله قطعه‌ای حامل یک کتیبه هفت سطری. قطعه IM 60497B متشکل از دو قطعه کتیبه‌دار است که پس از کشف به همدیگر الحاق شدند. این قطعه سطح محدبی دارد و در قسمت پشتی شکسته است. حداکثر ارتفاع این قطعه ۱۷/۳ سانتی‌متر است (حداکثر ارتفاع سطح کتیبه‌دار ۱۴/۶ سانتی‌متر)، بیشترین پهنای آن ۱۲/۴ سانتی‌متر است (بیشترین پهنای سطح کتیبه دار ۱۰/۳ سانتی‌متر است) و حداکثر ضخامت آن ۴/۸ سانتی‌متر است. میان هر سطر کتیبه خطوطی وجود دارد و ارتفاع عمودی ۱۲ سطر متوالی ۱۱/۲ سانتی‌متر و متوسط ارتفاع سطرها ۹/۳ سانتی‌متر است (Hulin 1966: 84).



تصویر ۷. طرحی از یکی از قطعات کتیبه‌دار مجسمه شلمنصر سوم مکشوفه از نمرود (Hulin, 1966: 88).

۱-۲. صاحب منصب

دومین گروه از پیکره‌های کامل غیر مذهبی آشور را مجسمه صاحب منصبان آشوری تشکیل می‌دهد. منظور از صاحب منصب، مقامات آشوری به‌ویژه حکمرانان مناطق مختلف این امپراتوری است. از این گروه دو پیکره کامل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اثر شماره ۸

در فوریه ۱۹۷۹ دهقانی که در حاشیه تل فخریه^۱ با بولدوزر مشغول کار بر مزرعه خود بود، یک مجسمه سنگی کتیبه‌دار در اندازه طبیعی را از دل خاک بیرون کشید (تصویر ۸). این مجسمه و کتیبه‌های آن اطلاعات ارزشمندی را درباره تاریخ، فرهنگ و زبان سوریه در اختیار گذاشته‌اند چنانکه کتیبه آرامی روی این مجسمه قدیم‌ترین نوشته آرامی است که از یک ایالت آشوری در سوریه کشف شده است.

مجسمه که از جنس سنگ بازالت ساخته شده، ۱۶۵ سانتی متر ارتفاع دارد و مرد ایستاده‌ای را به نمایش می‌گذارد. سر مجسمه در گذشته شکسته شده بود، اما پس از کشف دوباره به تنه پیکره متصل شد. موها و ریش پیکره، فر بوده و بدن توسط یک تونیک با آستین کوتاه که تا قوزک پا امتداد دارد، پوشانده شده است. شال گردنی حول شانه چپ پیچیده شده و دور کمر بسته شده است. بخش تحتانی تونیک و شال دارای حاشیه است (Millard and Bordreuil, 1982: 135-137). جامه مجسمه در قسمت عقب خود یقه‌ای V شکل دارد درحالی‌که یقه در جلو گرد است (Roobaert, 1996: 84). در پا کفش‌های راحتی که دارای تسمه است دیده می‌شود. پیکره این مرد فاقد جواهرات، دیهیم یا نشانی است که رتبه او را نشان دهد و حتی اسلحه یا نشان اداری نیز ندارد. این پیکره از لحاظ سبک دارای پیوند آشکاری با مجسمه‌های آشوری قرن نهم پم از جمله مجسمه‌های آشورناصرپال دوم و شلمانصر سوم است. با این حال کم تعداد بودن چنین مجسمه‌هایی و اطلاعات ناکافی ما پیرامون مراحل پیشین توسعه حجاری آشوری‌ها، باعث شده است که مقایسه تطبیقی نتواند تاریخ‌گذاری دقیقی برای این مجسمه به دست بدهد. اما موضوعی که در اینجا روشن است تأثیر هنر آشور بوده که قطعی است. پیکره مذکور آشکارا قابل مقایسه با نمونه‌های غیر آشوری تل حلف است اگرچه مهارت به‌کاررفته در برخی از قطعات حلف بیشتر است.

^۱ تل فخریه (Fekheriyeh) نام امروزی محوطه‌ای است که در بخش جنوبی رأس‌العین (Ras el-'Ayn) نزدیک مرز سوریه و ترکیه واقع شده است. نام باستانی تل فخریه، سیکان (Sikan) بوده که در متون اشاره‌چندانی بدان نشده است. سیکان، خود بخشی از ناحیه باستانی جوزان بوده است. به‌طور کلی تاریخ میان ۱۲۰۰ تا ۸۰۰ پم در بین‌النهرین به‌طور کامل ثبت نشده است و تاریخ جوزان نیز از این امر مستثنی نیست. کتیبه‌های آشوری برای نخستین بار وقتی به جوزان اشاره می‌کند که این مکان مورد حمله ادد-نیراری دوم (۸۹۱-۹۱۱ پم) قرار گرفت. در طول قرن هشتم پم جوزان مطمئناً بخشی از امپراتوری آشور بوده است زیرا نام چهار حاکم شناخته‌شده آن آشوری است (Millard and Bordreuil 1982: 135-138).

دو کتیبه بر دامن مجسمه حک شده که به آن اهمیتی فوق‌العاده بخشیده است. حدود دوسوم از این فضا با کتیبه میخی آشوری اشغال شده است. ۳۸ سطر از نوشته همچون سایر کتیبه‌های آشوری به صورت افقی نوشته نشده است، بلکه به صورت عمودی از میانه کمر به طرف حاشیه تونیک نوشته شده است. در قسمت پشت مجسمه، دومین کتیبه با الفبای سامی غربی و گویش آرامی حک شده است. خوانش کتیبه‌ها نشان داد که این دو متن بسیار شبیه هم‌اند. در حقیقت بخش بزرگی از کتیبه آرامی ترجمه متن آشوری است. این اولین متن بلند و روانه آشوری-آرامی است که تا کنون کشف شده است. در کتیبه آمده است: مجسمه «آداد-ایتی» یا «حداد-یسی»^۱ حاکم (شاه) جوزان، سیکان و ازران.



تصویر ۸. دو نما از مجسمه سنگی مکشوفه از نل فخریه در سوریه (Millard and Bordreuil, 1982: 135).

¹ Adad-it'i or Hadad-yis'i

بنابراین این مجسمه ظاهراً توسط شخصی که نام او آرامی و به معنای «حداد نجات دهنده من» است، اهدا شده است اما نام پدر او شمش-نوری^۱ یک نام آشوری است (Millard and Bordreuil, 1982: 137). تاریخ پیشنهادی برای مجسمه اواسط قرن نهم پم است که از لحاظ تاریخی امکان‌پذیر است و با بسیاری از جزئیات کتیبه و زبان آن هم‌خوانی دارد. ممکن است شمش‌نوری پدر حداد-ایسی یک آشوری باشد که به فرمانروایی جوزان منصوب شده یا یک فرمانروای محلی بوده که حکمرانی او مورد تأیید شاهان آشوری بوده است و به او به‌خاطر وفاداریش یک نام آشوری اختصاص داده باشند. پسر او نیز در ادامه به تخت جلوس کرده است (Millard and Bordreuil, 1982: 138). مجسمه مورد بحث در حال حاضر در موزه حلب در سوریه نگهداری می‌شود.

اثر شماره ۹

در کاوش‌های سال ۱۹۹۳ در تل احمر^۲ سه قطعه از یک مجسمه بازالتی در اندازه طبیعی در چاله‌ای که در دیوار بزرگ اطراف یک مقبره تاق‌دار عصر آهنی ایجاد شده بود، یافت شد. سر، نیم‌تنه و بخش تحتانی یافت شده کاملاً با یکدیگر هم‌خوانی داشت. وقتی این سه قطعه روی هم سوار شد، پیکره مرد ایستاده بدون ریشی به‌دست آمد که دستانش روی شکم قلاب شده بود (تصویر ۹). پاهای مجسمه مفقود شده بودند. حداکثر ارتفاع مجسمه بازسازی شده ۱۴۵ سانتی‌متر است. جزئیاتی نظیر حفره بزرگی که روی سمت راست قفسه سینه ایجاد شده یا سوراخ کوچک‌تری که روی سر به‌وجود آمده است و مهم‌تر از همه خرابی سر نشان می‌دهد که مجسمه در واقع به‌صورت عمد تخریب شده است. هر سه قسمت مجسمه که از نوعی بازالت آبی رنگ متمایل به خاکستری با بافت

^۱ Shamash-nuri

^۲ تل احمر (Tell Ahmar) نام محوطه‌ای است در شمال سوریه بر ساحل شرقی رود فرات که در ۱۵ کیلومتری جنوب شرقی کارکیمیش (Carchemish) و مرز امروزی دو کشور سوریه و ترکیه واقع شده است. نام باستانی این مکان برسیب است که شهری به مساحت ۵۵ هکتار با دیوارهای دفاعی بود و در یک گذرگاه اصلی رودخانه‌ای بر جاده حران - مدیترانه قرار داشت. شهر در حدود قرن دهم پم توسط آرامی‌ها تسخیر و تبدیل به شهرک اصلی بیت ادینی (Bit-Adini) شد. تل برسیب در سال ۸۵۶ پم توسط شلمنصر سوم پادشاه آشوری از تصرف آرامی‌ها خارج شد و پس از تغییر نام به کار-شلمنصر (Kar-Shalmaneser) به یک دژ کلیدی آشوری بر سر راه غرب تبدیل شد. آشوری‌ها این مکان را تا زمان سقوط امپراتوری در سال ۶۱۲ در اختیار داشتند. در زمان سه‌شاه به‌نسبت ضعیف آشوری، حکمرانی محلی به نام شمش‌ایلو (Shamshi-ilu, 780-752 BC) همچون یک حاکم خودمختار بر این ناحیه فرمان می‌راند (<http://www.oxfordartonline.com>).

متوسط تراشیده شده بود، در یک نقطه به پشت افتاده بودند (تصویر ۹، راست). به جز چشم چپ که هنوز آثار آن قابل مشاهده است، سایر مشخصه‌های صورت بدون ریش مجسمه در همان زمان قدیم محو شده بود. گوش‌ها به دقت تراشیده شده و با گوشواره‌های بلندی آراسته شده‌اند. هیچ نشانی از سرپوش به چشم نمی‌خورد. موی سر به شکل مسبک نشان داده شده و از بالای سر تا پشت گردن امتداد دارد.

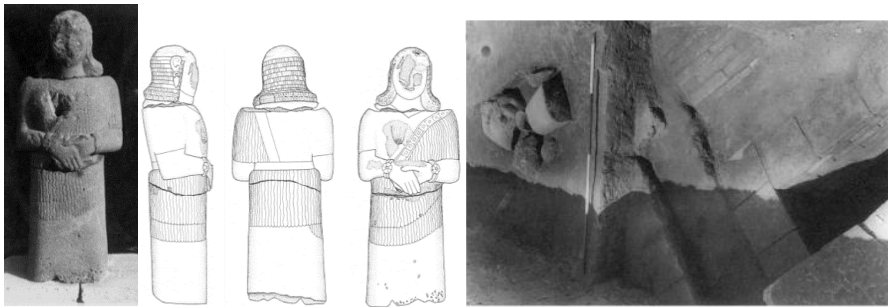
دست‌ها و بازوان در مقابل بدن نگاه داشته شده‌اند. دست چپ، درحالی‌که کف آن رو به بالا است، دست راست را به آرامی گرفته است. این نوع حالت که در آن دست راست توسط دست چپ نگه داشته شده یک ژست معروف است که با ژست مشابهی که کف یک دست پشت دست دیگر را نگه می‌دارد متفاوت است. دی. اوتز^۱ عقیده دارد که در گذشته هنگام حضور در مقابل پادشاه یا خدا به منظور احترام چنین ژستی گرفته می‌شد. مچ دست مزین به دست‌بندی است که با یک گل رزت شش پر تزئین شده است. پیکره یک تونیک غیررسمی بلند و بسیار ساده پوشیده است که آستین‌های کوتاه و یقه‌ای V شکل دارد. شال یا دستمال گردن حاشیه‌داری که حول شانه چپ قرار دارد بخشی از تونیک زیر آن را پوشانده است. با آنکه شکل کلی مجسمه تل برسب به مجسمه حاکم جوزان شباهت دارد، اما تفاوت در جزئیاتی نظیر شیوه حکاکی، شکل مو، پوشش، گوشواره، مچ‌بند و دست‌بند نشان می‌دهد که این دو مجسمه کاملاً از نظر سبک با همدیگر متفاوت بوده و به یک دوره واحد تعلق ندارند. مجسمه تل برسب در مقایسه با مجسمه تل فخریه، بویژه در سبک پوشش ظاهری، برجسته‌تر به نظر می‌رسد. برای تاریخ‌گذاری مجسمه تل برسب می‌بایستی آن را با برخی نقوش برجسته و نقاشی‌های دیواری دوره آشورناصرپال دوم تا آشوربانی پال مقایسه کنیم، زیرا از این دوره تعدادی نقش برجسته و نقاشی دیواری در دست است که در آنها مقامات بلندپایه حکومتی با چهره‌های ریش دار یا بدون ریش و با حالتی خاص و ویژه درحالی‌که شمشیری به کمر بسته‌اند، با دستان به هم پیوسته در مقابل پادشاه ظاهر می‌شوند.

شبه‌ترین نمونه‌های مشابه برای لباس، حالت و شکل موی سر مجسمه تل برسب را در نقاشی‌های روی دیوارهای کاخ همین مکان می‌توان یافت. متأسفانه تاریخ دقیق نقاشی‌ها هنوز مشخص نشده است، اما برای آنها اغلب یک دوره زمانی بین حکومت تیگلت پیلسر سوم و سارگن دوم پیشنهاد شده است. مجسمه از لحاظ سبک بیشتر به نقش برجسته‌های زمان سارگن دوم شباهت

¹ D. Oates

دارد تا نقش برجسته‌ها زمان تیگلت پیلسر. پس به احتمال تاریخ‌گذاری صحیح‌تر برای این اثر نزدیک به دوره اول سلطنت سارگن دوم است.

از آنجاکه هیچ نشانی از تاج یا نیم‌تاج بر سر مجسمه وجود ندارد، انتساب عنوان شاهی یا تورتانو^۱ به این شخص دشوار است. اگرچه شاهان آشوری را گاه بدون تاج ترسیم می‌کردند اما تصویر آنها را هیچ‌گاه بدون ریش نشان نمی‌دادند. به هر حال جزئیات دیگری نظیر نوع النگویی که با روزت تزئین شده و یا شالی که جامه بلند را می‌پوشاند نشان می‌دهد که این شخص یک مقام بلندپایه آشوری است. در واقع صورت بدون ریش مجسمه سرخ بسیار مهمی برای شناسایی او محسوب می‌شود. صورت بدون ریش یک خصوصیت ویژه مهم برای نشان دادن خواجه‌های حرمسرا نزد آشوریان بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد که مجسمه مکشوفه از تل برسب یک خواجه والا مقام و یا حتی حاکم تل برسب بوده است. کاملاً روشن است که آسیب وارد شده به مجسمه عمودی بوده است. کشف قطعات مجسمه در داخل گودال نزدیک اتاقک گنبدی گور نمی‌تواند اتفاقی و تصادفی باشد. مکان کشف آنها می‌تواند بیانگر این فرض باشد که مجسمه بعد از تخریب به طور عمودی دفن شده است. چنین چیزی بنا به گفته دی-یوسیشکین^۲ مخصوص فرهنگ سوری-هیتیت است. حالت مجسمه، نوع پوشش و جواهرات و کیفیت بالای حجاری بیانگر آن است که مجسمه متعلق به یکی از مقامات بلندپایه آشوری و یا به احتمال زیاد حاکم تل برسب در دوران اولیه حکومت سارگن دوم بوده است. پیکره مورد بحث در حال حاضر در موزه حلب در سوریه نگهداری می‌شود (Roobaert 1996: 79-87).



تصویر ۹. راست، قطعات مجسمه تل برسب که از نزدیک ورودی اتاق یک آرامگاه عصر آهن یافت شد (Roobaert, 1996: 80, fig.1)، وسط و چپ، طرح و تصویر همان مجسمه پس از رویهم قرار گرفتن قطعات (Roobaert, 1996: 80-81, fig.2a-2b).

¹ Turtanu

² D. Ussishkin

۱-۳. نامشخص

مجسمه‌های غیر مذهبی که در این گروه قرار می‌گیرد شامل مواردی‌اند که هویت آنها مشخص نیست و بنابراین در هیچ یک از دو گروه پیش گفته جای نمی‌گیرند. از این گروه یک سردیس مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

اثر شماره ۱۰

در میان سنگ‌های پشت دیوار اتاق ۷ خورس‌آباد (دور-شاروکین باستان) یک سر قابل توجه (تصویر ۱۰) به‌دست آمد که شاید به‌عنوان سرگرمی توسط یکی از حجارانی که برای بنای قصر به کار گماشته شده بودند حجاری شده بود. پیکرتراش نتوانسته است طرف دیگر صورت را تکمیل کند اما آزادی عمل و بی‌سابقه بودن موجود در مدل برداری و حجاری این سر کوچک به‌راستی در حجاری رسمی این دوره کمیاب است و باعث می‌شود که این سر به‌عنوان یکی از اشیاء برگزیده و جالب توجهی قلمداد شود که تاکنون از دور-شاروکین یافت شده است (Loud, 1936: 79). به‌طور کلی تناسب اجزاء صورت در این سر مجسمه بیشتر رعایت شده و طبیعت‌گرایی در آن محسوس‌تر است. نوع سنگی که این اثر از آن تهیه شده مشخص نشده است اما به‌نظر می‌رسد سنگ آهکی باشد. این سردیس هم اکنون در موزه ملی عراق نگهداری می‌شود.



تصویر ۱۰. سر ناتمام در اندازه طبیعی (Loud, 1936: 78, fig.90).

۲. مجسمه‌های مذهبی

دومین گروه از مجسمه‌های آشوری مجسمه‌های مذهبی است. این مجسمه‌ها عموماً شامل مجسمه‌های خدایان بوده که از معابد آشوری یا ورودی‌های آنها به دست آمده‌اند.

۱-۲. خدایان

آثار شماره ۱۱ و ۱۲

دو پیکره مشابه مورد بحث (تصویر ۱۱) در قرن نوزدهم میلادی توسط هر مزد رسام از خرابه‌های معبدی در نمرود از دل خاک بیرون کشیده شد. در واقع پیکره‌ها بیرون درگاه ورودی معبد نبو خدای بین‌النهرینی کتابت قرار داشت و وقف این خدا شده بود. از روی کتیبه‌های روی بدنه مشخص می‌شود که این مجسمه‌ها توسط بل-ترسی-ایلوم (Bêl-Tarsi-iluma) حاکم شهر کالح (نمرود) ساخته شده بود و برای طول عمر شاه ادد-نیراری سوم (۷۸۳-۸۱۰ پ.م)، ملکه مادر سمورمت (Sammuramat) و خودش وقف خدای نبو شده بود. سمورمت به احتمال همان سمیرامیس ملکه مشهور و افسانه‌ای است که مورخان یونانی و رومی در نوشته‌های خویش از وی یاد کرده‌اند (www.britishmuseum.org). این ملکه نمونه نادری از قدرت زنان در دربار آشور بوده است. به‌طور کلی ملکه‌ها همچون دیگر زنان جامعه، به‌ندرت در هنر پیکره‌تراشی نشان داده می‌شدند. یک نمونه استثنا مربوط به هنر متأخر آشور است که در آن ملکه آشوربانی پال در سنگ‌نگاره‌های کاخ نینوا نشان داده شده است. آثار حجاری آشوری معمولاً به فرمان خود شاه ایجاد می‌شد اما نمونه مورد بحث توسط حکمران نمرود برپا شده است. این اتفاق زمانی رخ داده است که مقامات مهمتر به احتمال خواجگان درباری به دنبال طغیان علیه شمش‌ادی پنجم (Shamshi-Adad V, 824-811 BC) پدر ادد-نیراری و همسر سمورمت در موضع قدرت قرار داشته‌اند (www.britishmuseum.org).

پیکره‌ها مرد ایستاده‌ای را نشان می‌دهند که در ژستی کاملاً مذهبی دستان خود را در مقابل بدن به هم قلاب کرده است. مجسمه دارای ریش بلند با انتهای تخت و گوشه‌دار است. بخش‌هایی از بینی و قسمت سمت راست سیبل یکی از مجسمه‌ها (سمت راست) تخریب شده است. خدای نبو کلاه بلند شاخ‌دار و حاشیه‌داری بر سر دارد و یک تونیک بلند و بسیار ساده پوشیده است که آستین‌های بلندی دارد. یک کتیبه میخی بر بخش تحتانی کمر حکاکی شده که تا نزدیک زانوها ادامه دارد. طول مجسمه ۱۸۲/۸۸ سانتی‌متر و جنس آن از سنگ آهک است.

برخی عقیده دارند که برخلاف آنچه گفته شده است این مجسمه نه به خدای نبوبلکه به خدای کم‌اهمیت‌تری تعلق دارد. این موضوع از کلاه شاخداری مشخص می‌گردد که تنها یک جفت شاخ دارد (نک. مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۱۹۵). در کاتالوگ مربوط به این اثر آمده است از آنجاکه این مجسمه یک کلاه شاخدار بر سر دارد که نظیر آن بر سر همه خدایان بین‌النهرین دیده شده است، بنابراین می‌توان گفت که این پیکره آشکارا یک خدا را نشان می‌دهد با این حال بعید است که خدای نبو باشد زیرا وضعیت دست‌ها نشان می‌دهد که او یک خدای خادم است. این مجسمه در حال حاضر با شماره ME 118889 در اتاق ۶ حجاری‌های آشوری در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (www.britishmuseum.org).



تصویر ۱۱. پیکره‌هایی از یک خدای محافظ که از معبد نبو در نمرود کشف شده است

http://www.britishmuseum.org/explore/highlights/highlight_image.aspx?image=k87443.jpg&retpage=18984, مجیدزاده، ۱۳۸۰: تصویر ۴۹۰.

اثر شماره ۱۳

مجسمه فوق که از ارسلان‌تاش کنونی، حداتوی باستان^۱، کشف شده از جنس سنگ بازالت است و ۱۷۳ سانتی‌متر ارتفاع دارد و در موزه حلب در سوریه نگهداری می‌شود (تصویر ۱۲). این مجسمه

^۱ محوطه‌ای در سوریه که در ۳۵ کیلومتر شمال شرقی تل برسیب و بر جاده حران-فرات واقع شده است. این مکان در گذشته یک شهرک آشوری بوده است. نام باستانی این مکان علاوه بر دو کتیبه مکشوفه از خود محوطه در کتیبه‌ای که به سرشماری حران موسوم است (سده هفتم پم) نیز ثبت شده است. تأثیر هنر و معماری آشوری را می‌توان به‌وضوح در حصار شهر با سه دروازه، یک کاخ، یک خانه بزرگ و یک معبد کوچک که وقف الهه ایشتر شده است مشاهده کرد. در کتیبه‌ای که بر پیکره یک گاو نر حک شده نام

خدای ایستاده‌ای را نشان می‌دهد که روی پایه‌ای قرار گرفته است. خدا با دو دست خود ظرف توخالی و جعبه‌مانندی را گرفته و آن را مقابل سینه خود نگه داشته است. کلاه خدا ساده بوده و به یک جفت شاخ مزین است. گوش‌ها به‌طور کامل آشکار بوده و مزین به گوشواره‌اند. ریش خدا بلند و چهارگوش است و تاروی سینه امتداد دارد. موی بلند خدا نیز از پشت تا انتهای گردن امتداد داشته و روی شانه‌ها جمع شده است. بینی و بخش‌هایی از گونه آسیب دیده است و شکستگی عمیقی روی گردن دیده می‌شود که ریش را به دو بخش تقسیم کرده است. همچنین ترک‌هایی روی سینه و سایر نقاط بدن وجود دارد. پوشش عبارت است از یک تونیک بلند و آستین کوتاه که بخش تحتانی آن دارای حاشیه تزئینی است. یک شال یا شال گردن حاشیه‌دار نیز حول کمر و شانه چپ پیچیده است. دست راست مجسمه با مچ‌بندی تزئین شده است.



تصویر ۱۲. نماهای مختلف از مجسمه خدایی از حداتو (ارسلان‌تاش) قرن هشتم پم (Parrot, 1961: 22, fig.27)

آثار شماره ۱۴ و ۱۵

دو مجسمه فوق در سال‌های ۳۳-۱۹۳۲ میلادی توسط گوردون لود (Gordon Loud) عضو هیئت مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو از حفاری‌های معبد نبو در خورس‌آباد به‌دست آمده است (تصویر ۱۳). کارشناسان موزه شرق‌شناسی شیکاگو قدمت مجسمه‌ها را حدود ۷۰۵-۷۲۱ پم

تیگلت پیلسر سوم به‌عنوان بانی معبد آمده است. مجسمه آزاد آشوری از خدایی ایستاده که جعبه‌ای حمل می‌کند و سه نمونه خرد شده مشابه که بیرون از بافت کشف شده‌اند به‌احتمال در اصل همگی متعلق به معبد ایشتر بوده‌اند. دو شیر بازالتی بزرگ که بر دروازه شرقی محوطه قرار گرفته، وجه تسمیه امروزی نام این محوطه است (<http://www.oxfordartonline.com>).

تاریخ‌گذاری کرده‌اند. جنس مجسمه‌ها از سنگ گچ (gypsum)^۱، ارتفاع آن ۱۵۱/۲، عرض آن ۴۵/۳ سانتی‌متر و ضخامت آن ۳۸ سانتی‌متر است و در حال حاضر در موزه مؤسسه شرق‌شناسی شیکاگو نگهداری می‌شوند (<http://www.mesopotamia.lib.uchicago.edu>). این مجسمه‌ها در اصل در دو طرف درگاه ورودی جلوخان این معبد قرار داشته‌اند. حفار احتمال می‌دهد که این پیکره‌ها مجسمه‌های مذهبی نبوده‌اند زیرا بیرون از معبد قرار داشتند و به‌علاوه حفره‌های بشقابی شکلی روی بلوک‌های مربع شکل بالای تاج آنها وجود دارد که نشان می‌دهد از آنها برای نگه داشتن برخی چیزها به‌احتمال، ظروف طلائی مورد استفاده در جشن سال نو استفاده می‌شده است (Loud 1936: 98). با این حال در منابع جدیدتر این مجسمه‌ها به‌عنوان مجسمه‌های مذهبی معرفی شده‌اند چنانکه در کاتالوگ موزه شیکاگو آمده است: مجسمه‌ها به‌احتمال متعلق به نبو، خدای نوشتار و کتابت‌اند، که تجسم حیات و نیروی نگهدارنده آب‌های شیرین نیز بوده است و به همین دلیل از داخل ظرف کوچکی که در دستان او قرار دارد چهار شاخه از جریان آب به بیرون فواره می‌کند (<http://www.mesopotamia.lib.uchicago.edu>).

مجسمه‌ها به‌صورت شکسته کشف شدند اما از آنجاکه قطعات آنها کامل بود، پس از انتقال به موزه مؤسسه شرق‌شناسی دوباره مرمت شدند (Loud and Altman 1936: 59). مجسمه‌ها اندکی کوچک‌تر از اندازه طبیعی‌اند. تاجی با دو جفت شاخ روی سر آنها قرار دارد که از زیر آن موها بیرون آمده و پشت گردن را پوشانده است. ریش بلندی نیز تا روی سینه مجسمه پایین آمده است. رویهم رفته سر و تاج بسیار شبیه گاو-مردها است. خدا در مقابل سینه و درست زیر ریش خود کوزه‌ای را که از دهانه آن باندهای موجی بیرون زده با دو دست برداشته است. این باندهای موج به شکل سنتی نمایشی از فواره‌های آب است که از درون ظرف بیرون می‌ریزد. دو شاخه از این امواج روی شانه و به طرف پشت سرازیر شده و دو شاخه دیگر نیز روی بخش پیشین بدن جاری شده است. پوشاک ساده بوده و تا روی پاها پایین آمده است و در آنجا به حاشیه‌هایی ختم می‌شود. کوزه‌هایی که توسط پیکره‌ها حمل می‌شود از نوعی است که به تعداد زیاد در سراسر معبد به‌دست آمده است. چنین کوزه‌هایی سفالینه‌هایی تُنگ‌مانند هستند که بسیار شبیه به بطری‌های آبی‌اند که امروزه توسط ساکنان این ناحیه مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این حال یک ویژگی غریب نمونه‌های باستانی، سوراخ مدوری به قطر ۰/۰۱ است که مستقیم در انتهای برآمدگی پایه قرار دارد. مشخص است که چنین

^۱ حفار جنس مجسمه‌ها را Alabaster (مرمر سفید یا رخام گچی) تشخیص داده است (Loud and Altman, 1936: 59).

رایت منصور ♦ ۲۰۹

ظروفی نمی‌توانسته‌اند مایعات را نگهداری کنند مگر اینکه سوراخ پیش‌گفته را توسط انگشت شست یا کف دست چنان که در مورد مجسمه‌ها نیز دیده می‌شود مسدود کرده باشند. بطری‌هایی از این دست به‌احتمال در مراسم آیینی داخل معبد برای افشاندن مایعات مقدس به‌کار می‌رفته است (Loud, 1936: 98).



تصویر ۱۳. بالا، نماهای مختلف از دو مجسمه مکشوفه از جلوخان معبد نبو (Loud and Altman, 1936: 102, Plate 47) پایین، وضعیت مجسمه‌ها هنگام کشف از مدخل معبد نبو، مجسمه‌ها که در تصویر به‌صورت شکسته روی کف دیده می‌شوند در گذشته به‌صورت ایستاده در گوشه‌های صحنه قرار داشته‌اند (Loud and Altman, 1936: 66, Plate 17c).

برآیند

بررسی و تجزیه و تحلیل پیکره‌های کامل دوران آشور نو و مقایسه هنر مجسمه سازی آن با سایر هنرهای این دوره نشان می‌دهد که هنر مذکور چندان مورد توجه نبوده است و به‌طور کامل در سایه هنرهای دیگری چون نقش برجسته‌های دیواری و مهرسازی قرار داشته است. آثار به‌دست‌آمده از کشفیات باستان‌شناسی نیز نشان می‌دهد که مجسمه‌های آشوری نسبت به نقش برجسته‌های صخره‌ای این دوران اهمیت کمتری داشته‌اند. این موضوع به احتمال به دلیل علاقه مفراطی بوده است که شاهان آشوری به خلق صحنه‌های روایی و داستانی با استفاده از نقش برجسته‌های سنگی داشته‌اند. از مجسمه‌های باقی مانده از شاهان آشوری تعداد زیادی مربوط به شلمنصر سوم است. بررسی شواهد باستان‌شناسی از جمله کتیبه‌های آشوری نشان می‌دهد که شلمنصر سوم یکی از مقتدرترین شاهان آشور نو و به عبارتی بزرگ‌ترین پادشاه دوره آغازین آشور نو بوده است. این پادشاه به نواحی غربی و شمال غربی ایران نیز لشکرکشی کرده است. از طرفی این نکته که دیگر شاهان بزرگ آشوری چون تیگلت پیلسر سوم، سارگن دوم و آشوربانی پال فاقد پیکره بوده یا از آنها صرفاً تعداد کمی پیکره به دست آمده، قابل تأمل است.

مجسمه‌های مورد بررسی آشوری عمدتاً از جنس سنگ به‌ویژه انواع مختلف سنگ آهکی و یا سنگ بازالت بوده‌اند. چنانکه مشاهده شد برخی از مجسمه‌های آشوری حالت مذهبی دارند یعنی دست‌های خود را به صورت قلاب شده جلو سینه نگه داشته‌اند. چنین مجسمه‌هایی عمدتاً از درون یا ورودی معابد آشوری کشف شده‌اند. بیشتر مجسمه‌های آشوری پوشش بلندی از نوع تونیک یا ردا بر تن دارند. به‌علاوه اکثر این مجسمه‌ها دارای سبیل و ریش بلند و تقریباً چهار گوش‌اند. تعداد مجسمه‌هایی که موی بلند از نوع صاف یا موج دارند نیز قابل توجه است. بنابراین چنین مشخصه‌هایی را می‌توان ویژگی‌های کلی مجسمه‌های آشوری تلقی کرد. کلاه شاخدار تنها بر سر مجسمه‌هایی دیده می‌شود که در گروه خدایان قرار گرفته‌اند. اسلحه‌هایی نظیر خنجر یا گرز تنها در دو مورد توسط اشخاص حمل شده‌اند که هر دو مورد شاهان آشوری‌اند، اما تعداد بیشتری از مجسمه‌ها دارای تزیینات مختلف نظیر دست‌بند، سینه‌بند، گوشواره و ... هستند. کم‌ترین میزان تزیین مربوط به خدایان و بیشترین آن مربوط به شاهان آشوری است. ۹ مورد از مجسمه‌های مورد بررسی دارای کتیبه آشوری و یک مورد نیز دارای کتیبه آرامی هستند.

هنر مجسمه‌سازی آشوری با وجود تمام محدودیت‌ها از جمله کم‌شمار بودن تعداد نمونه‌های موجود، هنوز ناگفته‌های زیادی دارد که نیازمند یک بررسی موشکافانه‌تر و دقیق‌تر است. از جمله

موضوعات تازه‌ای که می‌توان در يك تحقیق وسیع‌تر به آن پرداخت، مقایسه تطبیقی مجسمه‌های آشوری با نمونه‌های معاصر از دیگر فرهنگ‌ها و ملت‌ها، بررسی آزمایشگاهی مجسمه‌ها با هدف منشأیابی نوع سنگ و سایر خواص میکروسکوپی آن و به‌کارگیری مدل‌های آماری به منظور تجزیه و تحلیل نتایج حاصله است.

کتاب‌نامه

الف) فارسی

مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۰). تاریخ و تمدن بین‌النهرین، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
مورثگات، آنتون (۱۳۸۰). هنر بین‌النهرین باستان، مترجمان زهرا باستی، محمدرحیم صراف، تهران: سمت.

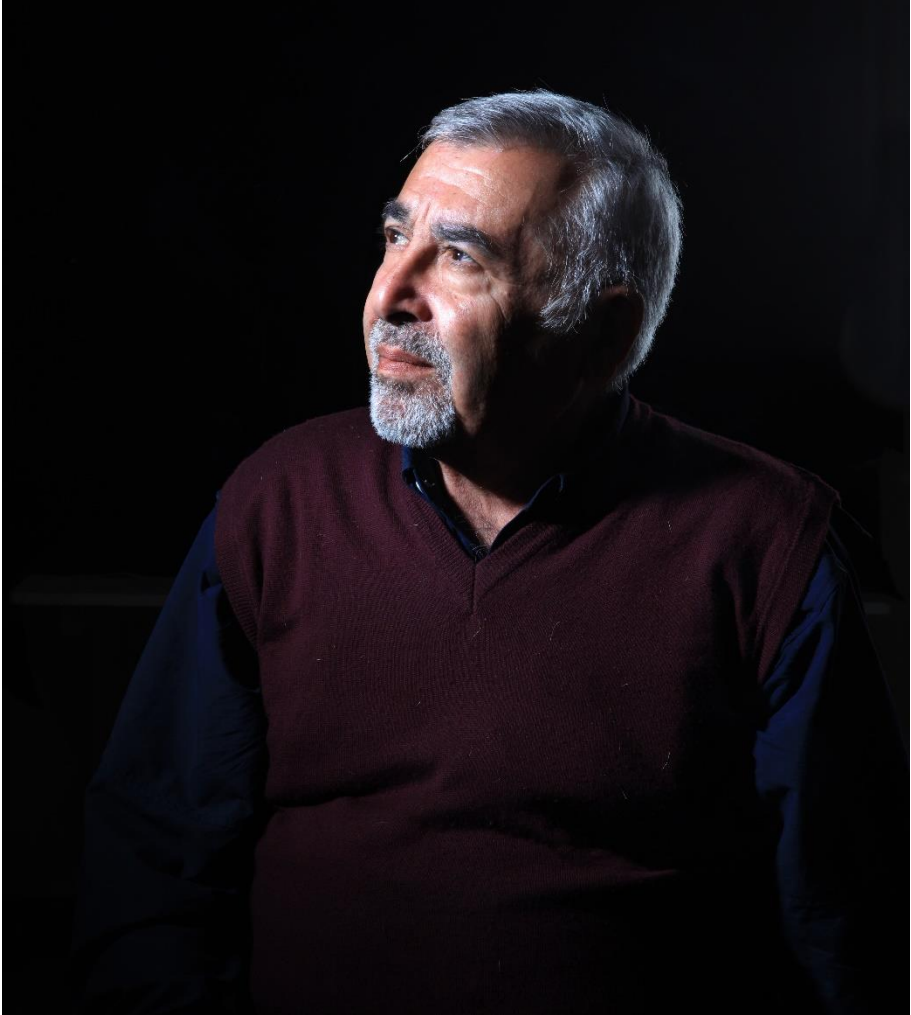
ب) نافرسی

- British Museum. (1900). *A guide to the Babylonian and Assyrian antiquities*
http://www.britishmuseum.org/explore/highlights/highlight_image.aspx?image
http://www.mesopotamia.lib.uchicago.edu/learningcollection/search.php?a_theme=Art+and+Architecture&lcid=85
<http://www.oxfordartonline.com/subscriber/article/grove/art>
- Hulin. P. (1966). Inscribed Fragments of a Statue from Nimrud, *Iraq*, Vol. 28, No. 1), pp. 84-88
- Læssøe. J. (1959). A Statue of Shalmaneser III, from Nimrud, *Iraq*, Vol. 21, No. 2 (Autumn, 1959), pp. 147-157
- Loud. G. (1936). *Khorsabad, part 1, excavations in the palace and at a city gate*, the university of Chicago oriental institute publications
- Loud. G, Altman. C. B. (1936). *Khorsabad, part 2, the citadel and the town*, the university of Chicago oriental institute publications
- Millard. A. R, Bordreuil, P. (1982). A Statue from Syria with Assyrian and Aramaic Inscriptions, *The Biblical Archaeologist*, Vol. 45, No. 3, pp. 135-141
- Oates. D. (1962). The Excavations at Nimrud (Kalḥu), 1961, *Iraq*, Vol. 24, No. 1, pp. 1-25
- Olmstead, A. T. (1938). Amber Statuette of Ashur-nasir-apal King of Assyria (885-860 B. C.), *Bulletin of the Museum of Fine Arts*, Vol. 36, No. 218, pp. 78-83
- Parrot. A. (1961). *Assur*, Munchen.
- Reade. J. (1993). Hormuzd Rassam and His Discoveries, *Iraq*, Vol. 55, pp. 39-62
- Roobaert. A. (1996). A Neo-Assyrian Statue from TilBarsib, *Iraq*, Vol. 58 (1996), pp. 79-87
- Terrace. L. B, Edward. (1960). A New Gallery of the Art of the Ancient East, *Bulletin of the Museum of Fine Arts*, Vol. 58, No. 312, pp. 31-43
- Wilson. J. V, Kinnier. (1962). The Kurba'il Statue of Shalmaneser III, *Iraq*, Vol. 24, No. 2 , pp. 90-115

Investigation of Newly Discovered Architectural Monuments on the Slopes of Zivieh Tepe, Kurdistan. Is the Zivia Brick Building a Larger Complex? Sirwan Mohammadi Ghasriyan, Ali Hozhabri	249
Urartian Goddesses in Urartian Culture Maryam Dara	263
Fire Temple of Kalega Ali Nourallahi	283
Opinion of Some Archaeologists and Researchers about Burial in the Manner of offering Against Vultures Mehdi Rahbar	341
Notes on Eastern Iran During Post-Achaemenid, Parthian and Sasanian Period: A Preliminary Reappraisal of The Ismeo Excavations at Qal'A-Ye Tepe And Qal'A-Ye Sam In Sistan Giulio Maresca, Persian Translation: Azadeh Azadinezhad	373
Revising Geography and Political History of the Alawites Zaydi Tabaristan Referring to the Sources of Numismatic Majid Hajitabar	383
The Newly Discovered Jamalabad Caravanserai in Urmia and the Review of the Silk Road Route in West Azerbaijan Behrouz Khanmohammadi, Ali Sadraei	407
Report of the Third Season of the Archaeological Excavation of the Kahanak Site of Sarbisheh City Mohammad Farjami, Aliasqar Mahmoodi Nasab	425
Analysis of the New Inscription of Kermani Mosque (Sheikh Ahmad Jam Tomb Collection) Faramarz Saber Moghaddam	445

Contents

Rayat e Mansur Shahin Aryamanesh	9
Ancient Monuments of Gates of Asia (Preliminary Report of the Archaeological Survey of Qasr Shirin city) Ali Hozhabri	43
A Review of Settling Down of Sar Gachineh Plain Nomads Maryam Fattahi Pour, Meysam Gordi	63
The Effective Factors in the Formation and Collapse of Civilizations in Sistan Reza Mehr Afarin	83
Shahr-e Sukhteh and Its Role in the Formation of Bactria–Margiana Culture Farshid Iravani Ghadim, Hamed Tahmasebi Zaveh	101
A Study the Changes of Customs in the Shahr-e Sukhteh Based on the Funeral Tradition Zahra Rajabioun	113
Gender Segregation of Workers in the Proto Elamite Period in the Late Fourth Millennium BC in Iran Rohhollah Yousefi Zoshk, Morteza Hessari, Saeid Baghizadeh, Donya Etemadifar	129
An overview of the Cows figurines of the Shahr-e Sukhteh Saeid Parsaeyan	147
Simorum, Lolobum, and Gutium; A New Clue to the Presence of Mesopotamian Ruler around Mount Bemo, Azgeleh-Kermanshah Sajjad Alibeygi, Shahram Aliyayari, John McGinnis and Nasser Aminikhah	161
A Study on the Complete Figures of the Neo-Assyrian Era Iraj Rezaei	181
Dating and Chronology of Petroglyphs in Saravan (South Eastern Iran): Based on Archaeological Evidences Hossein Moradi, Mojtaba Soltani, Hossein Sarhaddi Dadian	213
Tomb of Lor Balajuq, Urmia Behrouz Khanmohammadi, Ali Sadraei	235



**Richt, &
Tissphernes Archaeological Research Group
978-622-5684-12-6
Published in Iran (Persia)**

RAYAT-e MANSUR

Distinguished Scholars of Cultural Heritage of Iran (Vol 6)

Special Edition
in Honor of
Dr. Seyed Mansur Seyed Sajjadi

Edited by:
Dr. Shahin Aryamanesh



2022



RAYAT-E MANSUR

DISTINGUISHED SCHOLARS OF
CULTURAL HERITAGE
OF IRAN (VOL 6)

SPECIAL EDITION
IN HONOR OF
DR. SEYED MANSUR SEYED SAJJADI

EDITED BY:
SHAHIN ARYAMANESH